



مقاله پژوهشی

نحوه تاب‌آوری خانواده‌های دانش‌آموزان در مواجهه با پیامدهای اقتصادی

کرونا با تأکید بر کنش‌های آموزشی آنها

(پژوهش موردی: شهرک رباط طرق مشهد)^۱

محسن نوغانی دخت بهمنی^۲ و مهدی نیکخواه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر در قالب روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی به‌منظور شناسایی کنش‌های آموزشی خانواده‌ها در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از خانواده‌های دانش‌آموزان پسر متوسطه اول، ساکن شهرک رباط طرق مشهد تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، غیراحتمالی و هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی از میان جامعه هدف است. فرآیند نمونه‌گیری تا ۱۰ مورد ادامه یافت و پس از آن، محقق شاهد اشباع نظری داده‌ها بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های از روش هفت مرحله‌ای کلازی و برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش، از چهار معیار کوبا و لینکلن استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خانواده‌ها به‌طور متفاوت به این پیامدهای پاسخ داده‌اند. کنش‌های آنها به‌صورت کلی سه نوع است. عدم سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان شامل؛ ویژگی‌های شخصی والدین، محدودیت‌های مالی و نبود امکانات می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل با سختی و مشقت) شامل؛ اقوام و اطرافیان، بهینه‌سازی نیروی کار، تغییر در شغل سرپرست، صرفه‌جویی در هزینه‌ها است و سرمایه‌گذاری بدون مشکل در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل بدون مشکل)، مقوله‌های آگاهی و نظارت والدین، تأمین مالی و وجود امکانات کافی را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، تاب‌آوری خانواده، کرونا.

طبقه‌بندی موضوعی: I24

۱. DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.40985.1018

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) Email: noghani@um.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. Email: mahdinikkah2@gmail.com



مقدمه و طرح مسأله

با همه‌گیری کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸، جهان با چالشی روبه‌رو شد که بسیاری آن را بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر از جنگ جهانی دوم توصیف کرده‌اند، این بیماری دارای پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی در زندگی انسان‌ها بوده است. در بین پیامدهای این بیماری، عده‌ای بر این باورند که آسیب‌های ناشی از پیامدهای اقتصادی بیشتر از دیگر پیامدها خواهد بود (میرزایی، ۱۳۹۹). در سطح جهانی پیامدهای اقتصادی این بیماری در سه بخش کلی قرار گرفته است: ۱- اول: در این بخش دو حوزه کشاورزی و نفت و محصولات نفتی متأثر بوده‌اند. در بخش کشاورزی، با اعمال پروتکل‌های بهداشتی برای مهار بیماری کرونا، کاهش مسافرت‌ها و به تبع آن کاهش تقاضا برای هتل‌ها و رستوران‌ها همراه بوده که نتیجه این امر، کاهش قیمت کالاهای کشاورزی تا ۲۰ درصد بوده است. در بخش نفت و محصولات نفتی، با افزایش مقدار استخراج نفت توسط عربستان و کاهش تقاضا باتوجه به شیوع ویروس کرونا، قیمت نفت خام برنت از بشکه‌ای ۳۴ دلار به ۲۵/۷۰ دلار سقوط کرد ۲- دوم: در این بخش، صنعت ساخت و تولید متأثر از کرونا بوده است و کاهش تقاضا، کاهش شدید در گردش مالی مشاغل تولیدی همراه داشته است. ۳- سوم: آموزش، کرونا بر روی همه سطوح آموزشی از پیش‌دبستانی تا آموزش عالی تأثیر داشته است. در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، امکانات آموزشی در سراسر کشور تعطیل شده است که این تعطیلی دارای پیامدهای گسترده اقتصادی-اجتماعی بوده است (طاهری‌نیا و حسنوند، ۱۳۹۹).

شیوع این بیماری بر اقتصاد داخلی ایران هم تأثیراتی داشته و خواهد داشت: حدود ۴۰ درصد از کسب‌وکارهای ایران به‌صورت مستقیم متأثر از کرونا بوده و حدود ۱۵/۳۳ میلیارد دلار در ماه در اثر ویروس کرونا (کووید-۱۹) متضرر می‌شوند (میرزایی، ۱۳۹۹). شوک ناشی از کرونا، اقتصاد را هم با شوک عرضه و هم با شوک تقاضا روبه‌رو ساخت. از یک طرف عرضه نیروی‌کار کاهش یافته و از طرف دیگر، در تأمین مواد اولیه تولید نیز مشکلاتی ایجاد شده است. تعطیلی کسب‌وکارها منجر به تعدیل نیروی‌کار می‌شود و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. اطمینان‌نداشتن نسبت به آینده، خانوار را به تصمیم‌پس‌انداز بیشتر و به تعویق‌انداختن خرید اقلام غیرضروری ترغیب می‌کند (طاهری‌نهمیل، ۱۳۹۹، ۱۷۳). تأثیرات اقتصادی کرونا بر خانواده به‌گونه‌ای است

که تأمین معیشت خانواده برای سرپرستان دشوار شده و موجب کوچک‌تر شدن سبد خرید خانواده شده است. اگرچه پیامدهای اقتصادی کرونا ممکن است برای تمام افراد شرایط دشواری را ایجاد کند؛ اما تأثیر آن بیشتر متوجه دهک‌های درآمدی پایین، کارگران فصلی و موقتی و کاسبان خرده‌پا است (میرزایی، ۱۳۹۹).

در روبه‌رو شدن با بحران‌ها، خانواده‌ها رویکردهای مختلفی دارند که تجربه آنها را از بحران متفاوت می‌کند. درحالی که برخی از خانواده‌ها بر اثر بحران یا استرس‌های مداوم متلاشی می‌شوند، برخی دیگر قوی‌تر و تاب‌آوری و انعطاف بیشتری دارند. تاب‌آوری^۱ مفهومی است که به‌طور کلی اشاره به توانایی مقابله و خروج از بحران و ناملایمات دارد، به معنای توانایی تحمل، سازگاری با بحران‌های زندگی و غلبه بر آنهاست و شامل منابع فردی، خانوادگی و اجتماعی برای برخورد با مشکلات و بحران‌هاست (کریمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹). توانایی خانواده برای پاسخ مثبت به یک وضعیت نامطلوب و بیرون آمدن از آن وضعیت با احساس قدرت، مدیریت و اعتماد به نفس بیشتر نسبت به مرحله قبل را تاب‌آوری خانواده می‌گویند. دیدگاه تاب‌آوری خانواده یک رویکرد مهم برای درک اینکه چگونه خانواده‌ها به‌عنوان سیستم‌ها از خطر، محافظت و آسیب‌پذیری خانواده عبور می‌کنند که منجر به سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود (هنری و همکاران، ۲۰۱۵) وقتی یک بحران یا استرس وارد می‌شود، خانواده‌ها سعی می‌کنند بین نیازها و ظرفیت‌هایشان تعادل برقرار کنند (کریمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸).

آموزش یکی از بخش‌هایی است که متأثر از بیماری کرونا بوده است. با توجه به لزوم جلوگیری از شیوع این ویروس، ۱۹۴ کشور به‌اجبار تغییراتی در سیستم آموزش خود ایجاد کرده‌اند. اکثر مدارس و دانشگاه‌ها در کل جهان اقدام به تعطیلی آموزش حضوری کرده و سیستم آموزشی غیرحضوری را به کار گرفتند (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). تعطیلی مدارس دارای هزینه‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بوده است (قراری و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به تأثیرات کرونا بر اقتصاد خانواده از یک طرف و افزایش هزینه‌های آموزش از طرف دیگر، بسیاری از خانواده‌ها در جهت افزایش تاب‌آوری در مقابل پیامدهای اقتصادی کرونا، در زمینه آموزش فرزندان، کنش‌هایی انجام داده‌اند که در تمامی خانواده‌های یکسان نیست.

1. Resilience
2. Family resilience





در رابطه با نوع کنش‌های آموزشی خانواده در دوران کرونا، به‌صورت خاص پژوهشی انجام نشده است؛ اما پژوهش‌های انجام‌شده درباره بحران‌های اقتصادی نشان می‌دهد که خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی برای افزایش تاب‌آوری خود به‌صورت کلی دو نوع کنش در حوزه آموزش فرزندان انجام می‌دهند: ۱. برگشت به تحصیل مجدد^۱ فرزندان که قبلاً ترک تحصیل کرده و مشغول به کار بوده‌اند. ۲. کاهش تقاضا برای تحصیل یا اولویت‌بندی فرزندان برای ادامه تحصیل جهت حفظ تعادل بین درآمد و هزینه در بحران‌ها (سالگادو^۲، ۲۰۱۲؛ فرانکنبرگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به اینکه نحوه برخورد خانواده با چالش‌ها برای بهبود شرایط فردی و خانوادگی بسیار مهم است، این مقاله درصدد است که اختلال در کارکرد خانواده را در زمان بحران کرونا بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که خانواده‌های دانش‌آموزان چه تجربه‌هایی از پیامدهای اقتصادی بیماری کرونا دارند و با توجه به ارزیابی هزینه‌ها و فایده‌ها، برای افزایش تاب‌آوری خانواده چه کنش‌هایی در زمینه آموزش فرزندان انجام داده‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از نگاه کارکردگراها خانواده بهنجار خانواده‌ای است که در بین عناصر کارکردی آن تضادی وجود نداشته باشد و بتواند کارکرد خود را که پرورش فاعلان اجتماعی بهنجار است، به‌درستی انجام دهد. از نظر پارسونز، کارکردهای اساسی خانواده عبارتند از: اجتماعی‌کردن اولیه و ایجاد ثبات شخصیتی برای بزرگسالان در روبه‌رو شدن با مسائل زندگی روزمره، هرگونه اختلال در نظام خانواده انجام چنین وظایف خطیری را با مشکل مواجه می‌کند و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. از نگاه کارکردگرایان، ویروس کرونا می‌تواند در سیستم اجتماعی و نهاد خانواده عد تعادل ایجاد کند و بخشی از کارکردهای خانواده دچار اختلال شود.

۱. با بروز بحران‌های اقتصادی دستمزدها پایین می‌آید و همچنین ممکن است فرزندان بیکار شده باشند و جهت ادامه تحصیل دوباره فرصت پیدا کنند.

2. Salgado

3. Frankenberg

از دیدگاه مکتب مبادله کنش‌های افراد براساس محاسبه هزینه‌ها و فایده‌ها انجام می‌گیرد. این مکتب فرض می‌کند افراد به شیوه‌ای رفتار می‌کنند که بیشترین سود و کمترین هزینه را برای آنها داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۲۳۰).

از نظر هوپر^۱ (۲۰۰۸) عوامل تاب‌آوری خانواده شامل؛ گرمی خانواده، مهربانی، حمایت هیجانی، ساختارها، کارکردها و محدودیت‌های خانواده می‌شود. در مدل هنری^۲ موریس^۳ و هاریست^۴ (۲۰۱۵)، تاب‌آوری خانواده دارای چهار بعد: ۱. حمایت خانواده ۲. سازگاری خانواده ۳. آسیب‌پذیری خانواده ۴. عوامل تهدیدکننده خانواده است.

مدل والش^۵ (۲۰۰۷) بر نظام باورها، الگوهای ساختاری و فرآیندهای ارتباطی تأکید می‌کند. مدل چندسطحی کارد^۶ و بارت^۷ (۲۰۱۵) تاب‌آوری خانواده را مستلزم تمرکز بر سطوح مختلف از جمله؛ افراد، روابط، خانواده و واحدهای بزرگ‌تر مثل مدرسه و همسایه‌ها می‌داند. کارد^۸ و تومی^۹ (۲۰۱۲) در تاب‌آوری اعضای خانواده، کیفیت روابط زناشویی، روابط والد-فرزندی و روابط خواهر-برادری را مهم می‌دانند.

تاب‌آوری افراد ناشی از تفاوت تجربه‌های آنها در هفت زمینه مختلف است که عبارتند از؛ دسترسی به منابع مادی، ارتباط بین فردی، احساس هویت، تبعیت فرهنگی، عدالت اجتماعی، احساس کنترل و قدرت و همبستگی (صفاری‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۰۹-۱۱۰). کاسیوپو^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۱) تاب‌آوری اجتماعی را شامل ظرفیت پروراندن، مشغول‌بودن به روابط مثبت و حفظ آنها، پایداری کردن و خلاص‌شدن از استرس‌زاهای زندگی و انزوای اجتماعی تعریف کرده‌اند. براساس دیدگاه آنها، تاب‌آوری اجتماعی سه خصیصه دارد: الف) روش‌هایی که افراد با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند (مثل موافقت و قابلیت اعتماد)؛ ب) منابع و ظرفیت‌های بین فردی (مثل تسهیم و گوش‌دادن بادقت)؛ ج) منابع و ظرفیت‌های فزاینده (مثل هویت گروهی و مرکزیت).

-
1. Hooper
 2. Henry
 3. Morris
 4. Harrist
 5. Walsh
 6. Card
 7. Barnett
 8. Card
 9. Toomey
 10. Cacioppo



سالگادو^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «آموزش در زمان بحران اقتصادی: تأثیرات بحران مالی جهانی بر آموزش کودکان در اکوادور» که با هدف بررسی پیامدهای کوتاه مدت بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بر نتایج تحصیل برای کودکان ۵-۱۴ و ۱۵-۱۷ ساله در اکوادور با روش تحلیل متون انجام شده است، به این نتیجه دست یافته است که بحران جهانی بر ثبت نام و حضور کودکان در مدرسه تأثیری نداشته است؛ اما ثبت نام را به سمت مدارس دولتی سوق داده است. کاهش حواله ها در طول بحران با کاهش ثبت نام و حضور در هیچ یک از دو گروه سنی همراه نیست. با وجود این، کاهش حواله ها بر انتخاب نوع مدرسه تأثیر گذاشته است که این تغییر بیشتر در کودکان کوچک تر رخ داده است. این نشان می دهد سرمایه گذاری در آموزش کودکان بزرگ تر در زمان بحران به هزینه کاهش کیفیت آموزش کودکان کوچک تر منجر شده است. از جمله نتایج دیگر پژوهش این است که بین ثبت نام در مدرسه و وضعیت اقتصادی رابطه معنی دار قوی وجود داشته است. به طوری که کودکانی که در ثروتمندترین پنجم درآمد هستند، تقریباً ۶ درصد بیشتر از کودکانی که در فقیرترین پنجم درآمد، در مدرسه ثبت نام شده اند. این تفاوت به لحاظ قومیتی نیز موجود بوده است؛ به این معنا که کودکان مستیزو و آفریقایی اکوادور بیشتر از کودکان بومی در مدرسه ثبت نام می کنند. یافته ها نشان می دهد حرکت به سمت مدارس دولتی در واقع یکی از مکانیسم های مقابله خانوار برای کاهش هزینه های آموزش بوده است. کودکانی که در مناطق روستایی زندگی می کنند، تقریباً ۱۸ درصد کمتر از کودکان ساکن در مناطق شهری احتمال ثبت نام در مدرسه را داشته اند. شوک اقتصادی با کاهش حضور در کودکان ۱۵ تا ۱۷ ساله ارتباطی ندارد. از جمله دیگر یافته های این پژوهش این است که به لحاظ جنسیتی هم این شوک بر ادامه تحصیل تأثیر داشته است؛ به طوری که نوجوانان دختر ۱/۵ درصد بیشتر از نوجوانان پسر به مدرسه می روند. به طور کلی، به نظر می رسد خانوارها به دنبال حمایت از سرمایه گذاری در کیفیت آموزش کودکان بزرگ تر به قیمت کاهش کیفیت آموزش کودکان کوچک تر بودند. خانوارهای اکوادوری عمدتاً با تغییر الگوهای مصرف خود و تأخیر در پرداخت ها با بحران سال ۱۹۹۹ سازگار شدند.



کامرون^۱ و ورسویک^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «پاسخ هزینه‌های آموزشی به ازدست‌دادن محصول در اندونزی: یک سوگیری جنسیتی توسعه اقتصادی و تحول فرهنگی» به این نتیجه رسیده‌اند که اقدامات گزارش‌شده توسط پاسخ‌دهندگان برای غلبه بر ضرر محصول نشان می‌دهد همه خانوارهای کشاورز قادر به هموارسازی مصرف در مواجهه با شوک‌های درآمدی نیستند. از خانوارهایی که در سال ۹۳ زیان زراعی را گزارش کرده‌اند، ۳۴ درصد گزارش کرده‌اند که هزینه‌ها را کاهش داده‌اند؛ اما این احتمال وجود دارد که خانوارهایی که کاهش هزینه را انتخاب کرده‌اند، دسترسی کمی به بازارهای اعتباری یا بازار کار داشته باشند. با توجه به اینکه خانوارها تصمیم به کاهش هزینه‌ها می‌کنند، در این خانواده‌ها، دختران در سن مدرسه (به جای پسران در سن مدرسه) هستند که هزینه‌های آموزشی را کاهش می‌دهند. این نتایج تصویری از هزینه‌های تحصیل زنان را به‌عنوان یک کالای لوکس ترسیم می‌کند که در زمان سختی کاهش یا حذف می‌شود. کاهش در هزینه‌های آموزشی در پاسخ به ازدست‌دادن محصول، اثر یک شوک گذرا را تداوم می‌بخشد. این واقعیت که به نظر می‌رسد آموزش زنان قربانی می‌شود، دلیل دیگری برای نگرانی است؛ زیرا مزایای آموزش زنان از نظر باروری، مرگ‌ومیر کودکان، پیامدهای سلامتی و توسعه عمومی اقتصادی به‌خوبی ثابت شده است. ناتوانی خانوارهای روستایی در روان‌سازی مصرف، نقش حمایت دولت را در مواقع ازدست‌دادن محصول نشان می‌دهد. اگر به‌درستی هدف‌گذاری شود، بازده تحصیلی بالاتر و در نتیجه، استانداردهای زندگی بالاتر برای نسل‌های بعدی و همچنین، توسعه اقتصادی سریع‌تر خواهد بود. این پژوهش نشان می‌دهد که ارائه یارانه برای تحصیل دختران می‌تواند راه مناسبی برای هدف‌گذاری این سیاست‌ها باشد.

والش (۱۹۹۶) پژوهشی با عنوان «مفهوم تاب‌آوری خانواده: بحران و چالش» به روش اسنادی انجام داده است. هدف این پژوهش ارائه یک دیدگاه سیستمیک از تاب‌آوری در زمینه‌های اکولوژیکی و توسعه‌ای و مفهوم تاب‌آوری خانواده با توجه به فرآیندهای متقابل در طول زمان است که سرسختی فردی و خانوادگی را تقویت می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رویکرد تاب‌آوری خانواده فراتر از حل مسئله، مربوط به پیشگیری از مشکلات است که نه تنها با ترمیم خانواده‌ها بلکه، آماده‌سازی آنها برای رویارویی با چالش‌های آینده

1. Cameron
2. Worswick





نیز انجام می‌شود. تاب‌آوری همچنین، با عادی‌سازی و زمینه‌سازی فشارها و با ارائه دستورالعمل‌های مفید برای مقابله و سازگاری براساس اصول روان‌آموزشی ارتقاء می‌یابد. در میان سردرگمی‌ها و آشفتگی‌ها باید به خانواده‌ها کمک شود تا با ایجاد بخشی از زندگی‌شان که قابل کنترل و تسلط است، پیروز شوند. در روند پیروزی‌های کوچک، خانواده‌ها شایستگی و اعتمادبه نفس ایجاد می‌کنند. توانایی ترکیب چند نقش و رویارویی با چالش‌های جدید را می‌توان آموخت. تشویق چنین بینش و مهارت‌هایی عنصر اصلی رویکرد مبتنی بر تاب‌آوری در خانواده‌درمانی است. این شکل خانواده نیست بلکه، فرآیندهای خانوادگی و کیفیت روابط است که بیشترین اهمیت را برای سرسختی تکاملی دارد.

فریرا^۱ و شادی^۲ (۲۰۰۹) با هدف پاسخگویی به این پرسش که آیا شوک‌های درآمدی کل مانند شوک‌های ناشی از بحران‌های کلان اقتصادی یا خشکسالی، سرمایه انسانی کودک را کاهش می‌دهد؟ پژوهشی با عنوان «شوک‌های اقتصادی کل، تحصیل کودکان و سلامت کودکان» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نخست، نتایج آموزش و سلامت کودک در همه جا به یک شکل به شوک‌ها پاسخ نمی‌دهند. اگر یک مؤسسه بین‌المللی به دنبال اختصاص بودجه مشخصی باشد تا کاهش ثبت‌نام (یا افزایش مرگ‌ومیر نوزادان) را در تعدادی از کشورهای دارای سطوح درآمدی بسیار متفاوت به حداقل برساند، ممکن است تخصیصی را در نظر بگیرد که به سمت فقیرترین کشورها باشد و آنهایی که کمترین توسعه بازارهای اعتباری را دارند.

شواهد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه انسانی در این کشورها بیشترین آسیب را از شوک‌های کل می‌بینند. دوم، در یک کشور در حال توسعه که دچار شوک درآمدی منفی است، تحلیل دلیل دیگری (در صورت نیاز) وجود دارد که چرا دولتی که منابع را به گروه‌های مختلف جمعیتی اختصاص می‌دهد، ممکن است این منابع را برای فقرا هدف قرار دهد. این خانوارها به احتمال زیاد با محدودیت اعتبار مواجه می‌شوند. آنها به احتمال زیاد درگیر رفتارهای «مخرب» می‌شوند (از نظر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کودک)؛ مانند بیرون‌بردن کودکان از مدرسه یا کاهش هزینه‌های ورودی‌های ارتقا دهنده

1. Ferreira
2. Schady



سلامت. سوم، در یک کشور با درآمد متوسط که شوک کل منفی دارد، اگر دولت یا سازمانی بخواهد بودجه معینی را بین بخش‌های آموزش و بهداشت تخصیص دهد تا از سرمایه انسانی کودکان محافظت کند، ممکن است فرضی برای حمایت از سلامت به جای آموزش موجه باشد. شواهد نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد متوسط مانند کشورهای آمریکای لاتین، رکود اقتصادی آسیب کمتر به آموزش کودکان نسبت به سلامت کودکان می‌رساند. در نهایت، چهارچوب مفهومی نشان می‌دهد که یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق آن تأثیر بحران‌ها بر نتایج را کاهش داد (در همه کشورهای)، حمایت از هزینه‌های عمومی در عرضه خدمات بهداشتی و آموزشی است که در این شرایط اثر جایگزینی کاهش دستمزد کودکان بر پیامدهای درآمدی ناشی از رکود غلبه می‌کند و منجر به افزایش تقاضا برای تحصیل می‌شود.

فرانکنبرگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «شوک‌های اقتصادی، ثروت و رفاه» به بررسی اقدامات خانواده‌های اندونزی در مواجهه با شوک‌های اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تنوع فوق‌العاده‌ای در تأثیر شوک وجود دارد؛ برای برخی خانواده‌ها، این شوک ویرانگر بوده و برای دیگران فرصت‌های جدیدی به ارمغان آورده است. مجموعه وسیعی از مکانیسم‌ها در پاسخ به بحران به کار گرفته شده است؛ از جمله ترکیب خانوارها برای بهره‌برداری کامل‌تر از مزایای صرفه‌جویی در مقیاس در مصرف. حتی با سقوط دستمزدهای واقعی، عرضه نیروی کار افزایش یافته است. خانوارها درحالی که مخارج مواد غذایی را حفظ می‌کنند، هزینه‌های مربوط به مواد نیمه‌پایدار را کاهش داده‌اند. خانوارهای روستایی از ثروت، به‌ویژه طلا برای کاهش مصرف استفاده کرده و خانوارهای روستایی و شهری در اندونزی مجموعه وسیعی از مکانیسم‌ها را برای کاهش پیامدهای مضر شوک و بهره‌برداری از فرصت‌های جدیدی که از زمان شروع بحران پدید آمده‌اند، به کار گرفته‌اند. خانواده‌ها و خانواده‌ها ترتیبات زندگی خود را با افراد وابسته که تمایل به نقل مکان به منطقه‌های کم‌هزینه دارند و اعضای خانواده در سن کار به خانواده‌هایی می‌پیوندند که قادر به جذب کارگران اضافی هستند، سازماندهی مجدد کرده‌اند. همچنین، شواهدی وجود دارد که به‌رغم سقوط درآمد ساعتی، عرضه نیروی کار افزایش یافته است. در شبکه، افراد وارد نیروی کار شده‌اند و بسیاری از کسانی که قبل از بحران کار می‌کردند، ساعات کار خود را



افزایش داده‌اند. تغییر در تخصیص زمان اعضای خانوار با بازآرایی سایر ابعاد بودجه همراه بوده است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد خانوارها هزینه‌های مربوط به اقلام «تعویق‌پذیر» (مانند لباس، مبلمان خانگی و مواد نیمه‌دوام مشابه) را درحالی که هزینه‌های واقعی غذاها را حفظ کرده‌اند، کاهش داده‌اند.

کانینگهام^۱ و سالواگنو^۲ در پژوهشی با عنوان «شوک، کار کودکان و ترک تحصیل در آرژانتین» که با هدف بررسی این امر که چگونه شوک‌های اقتصادی خاص و کلی بر تصمیم‌گیری‌های خانوار درباره کار کودکان و حضور در مدرسه در آرژانتین تأثیر می‌گذارند، انجام شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که شوک‌های اقتصادی کل فقط بر رفتار دختران جوان تأثیر می‌گذارد، درحالی که شوک‌های خاص - حاصل ازدست‌دادن شغل غیرارادی هر یک از والدین - میانگین احتمال ورود کودکان به نیروی کار و ترک تحصیل را افزایش می‌دهد و در بین جنسیت و سن ناهمگونی وجود دارد. نخست، ازدست‌دادن شغل مادر شانس پسران و دختران بزرگ‌تر را برای پیوستن به نیروی کار افزایش می‌دهد؛ اما از دست‌دادن شغل پدر تنها بر دختران جوان تأثیر می‌گذارد. دوم، این تأثیر در رفتارهای مدرسه و کار پسران بزرگ‌تر از سنین ۱۲ تا ۱۵ سال مهم‌تر است، درحالی که برای دختران برعکس است.

پژوهشی با عنوان «بلايا و جوامع: درک تاب‌آوری اجتماعی» با هدف بررسی ماهیت چندوجهی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ویژگی‌های مختلف آن به‌ویژه مقاومت، بازیابی و خلاقیت انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری یک جامعه در برابر بلايا نباید یک قابلیت مجزا در نظر گرفته شود. حتی جوامع نسبتاً ساده دارای چندین گروه اجتماعی هستند و این گروه‌ها به روش‌های مهمی با هم تفاوت دارند. بلايا هرچند «طبیعی» به‌طور عمیق تبعیض‌آمیز هستند؛ برخی از اعضای جامعه کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، درحالی که برخی دیگر بهای بیشتری را می‌پردازند. متخصصان فرآیند واکنش انسان به بلايا را به‌صورت دوره‌ای توصیف می‌کنند که چهار مرحله دارد: کاهش، آمادگی، واکنش و بازیابی. کاهش فرآیند کلی تقویت قابلیت‌های یک جامعه به‌گونه‌ای است که تاب‌آوری برای مقابله بهتر با هر فاجعه‌آتی داشته باشد. آمادگی شامل پیش‌بینی یک فاجعه قریب‌الوقوع و ایجاد یک قابلیت واکنش است. این شامل تجزیه و تحلیل تهدیدهای احتمالی، راه‌اندازی

1. Cunningham
2. Salvagno

سیستم‌های هشدار و ارتباط، ساختارهای مدیریت پاسخ، سازماندهی آموزش و ذخیره‌سازی منابع است. پاسخ به اقدامات انجام‌شده در طول و بلافاصله پس از وقوع یک فاجعه اشاره دارد. تمرکز در اینجا بر نجات جان افراد، به حداقل رساندن آسیب به اموال و به حداقل رساندن اختلال در جامعه است. بازبایی مرحله کوتاه و بلندمدت بازسازی و بازگرداندن جامعه به وضعیت قبل از فاجعه است. در طی این مرحله ارزیابی خسارت تکمیل می‌شود و برای اطلاع‌رسانی بازسازی مسکن و زیرساخت‌ها و ایجاد مجدد نهادهای اجتماعی استفاده می‌شود. کاهش یک حلقه حیاتی در فرآیند چرخه‌ای مدیریت بلایا است و عمدتاً پس از وقوع یک فاجعه صورت می‌گیرد. مشابه مؤلفه خلاقیت تاب‌آوری اجتماعی، کاهش شامل چیزی بیش از آماده‌سازی، واکنش و بهبودی پس از یک فاجعه است؛ بلکه اجرای درس‌های آموخته‌شده در ایجاد سیاست‌ها و فعالیت‌های جدیدی را شامل می‌شود که تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهد. بدون کاهش، بعید است یک جامعه در آینده انعطاف‌پذیرتر شود. بیشترین پیشرفت‌ها در تاب‌آوری اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که هر چهار مرحله از فرآیند فاجعه در برنامه‌ریزی مدیریت اضطراری در نظر گرفته شود (مگوایر^۱ و هاگان^۲، ۲۰۰۷).

گایاتری^۳ و ایراودی^۴ (۲۰۲۲) با هدف ترکیب و ارائه ادبیات موجود درباره وضعیت تاب‌آوری خانواده در خانواده‌های مختلف در طول شیوع ویروس کرونا با روش تحلیل محتوا، پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری خانواده در طول همه‌گیری COVID-19: مروری بر ادبیات» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه مثبت، توافق اعضای خانواده، انعطاف‌پذیری، مدیریت مالی، ارتباطات، اوقات فراغت خانوادگی، تفریحات مشترک، روال‌ها و تشریفات و شبکه‌های اجتماعی عوامل اصلی تاب‌آوری خانواده هستند. بنابراین، خانواده باید با ایجاد یک رابطه و ارتباط سالم به عنوان یک خانواده بر راه‌حل‌ها تمرکز کنند. معنویت می‌تواند تأثیر مثبتی بر سلامت روان خانواده‌ها به‌ویژه در شرایط استرس‌زا داشته باشد. به این ترتیب، اقدامات روزانه مبتنی بر ایمان ممکن است به خانواده‌ها در گذر از این بحران کمک کند؛ علاوه بر این، یک ذهنیت مثبت نیز مقابله انطباقی است که بر احساسات مثبت

1. Maguire
2. Hagan
3. Gayatri
4. Irawaty





مانند شناخت شرایط همه‌گیر و فکر خوش‌بینانه برای داشتن آینده‌ای روشن‌تر تمرکز می‌کند. داشتن ارتباط خوب و سالم و یافتن کارهای مثبت برای انجام با هم در میان اعضای خانواده ضروری است که می‌تواند حس با هم بودن، اعتماد، انسجام و شادی را ایجاد کند؛ علاوه‌براین، ایجاد حمایت اجتماعی با دیگران از جمله خانواده‌های بزرگ، خواهر و برادر، همسایه‌ها و دوستان زمانی که والدین یا اعضای خانواده برای کمک دراز می‌کنند، مهم است.

آپادحیای^۱ و سانیا مویبول^۲ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «بررسی ادبیات سیستماتیک تاب‌آوری جامعه در برابر بلایا: حوزه‌ها و دستور کارهای پژوهش‌هایی اصلی و مرتبط» به روش تحلیل محتوا و با هدف بررسی مفهوم تاب‌آوری انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جریان اصلی مطالعات در این زمینه شامل؛ عملی‌شدن ارزیابی تاب‌آوری در برابر بلایا درباره تاب‌آوری جامعه است. این حوزه پژوهش‌هایی بر نقش رفاه جامعه برای افزایش انسجام اجتماعی و تاب‌آوری در برابر بلایا تمرکز دارد. تاب‌آوری یک علم چندرشته‌ای است. رشته‌های مرتبط با تاب‌آوری جامعه هشت رشته از کل رشته‌های اصلی است: علم خطر بلایا، بهداشت عمومی، محیط زیست، مدیریت، توسعه اجتماعی، ارتباطات، تحصیلی و آموزش. علم خطر بلایا بیشتر مطالعات پژوهش‌هایی در این زمینه را به خود اختصاص داده است؛ زیرا هدف آن ایمنی است. این حوزه پژوهش‌هایی بر موارد اضطراری و بلایای انبوه، کاهش خطر بلایا و مدیریت ریسک تمرکز دارد. پژوهش‌هایی در حوزه بهداشت عمومی شامل آماده‌سازی بهداشت عمومی، تأثیرات اضطراری بلایای طبیعی بر سلامت روان است. هنری و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری خانواده: حرکت به سمت موج سوم» با هدف بررسی مفهوم تاب‌آوری خانواده و موج‌های شکل‌دهنده این مفهوم با روش تحلیل محتوا انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این امر است که دیدگاه تاب‌آوری خانواده یک رویکرد مهم برای درک اینکه چگونه خانواده‌ها به‌عنوان سیستم‌ها از خطر و آسیب‌پذیری عبور می‌کنند که منجر به سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت آن می‌شود. در موج ۱، تاب‌آوری به‌عنوان ساختاری در سطح سیستم خانواده ایجاد شد و گونه‌شناسی جنبه‌های قوت خانواده مرتبط با خانواده‌های تاب‌آور را شناسایی کرد. این کار فرآیندهای

1. Upadhyay

2. Sa-ngiamwibool

کلی سیستم خانواده را شناسایی کرده تا خانواده‌های تاب‌آور را مشخص کند؛ از جمله؛ انسجام خانواده، سازگاری خانواده، انسجام خانواده، سرسختی خانواده و ارزش‌گذاری زمان و کارهای روزمره خانواده. در موج ۲، تأکید بر فرآیندهای حفاظتی خانواده گسترش یافت و در رویکردهای پزشکی ادغام شد، درحالی‌که محققان جنبه‌های نظریه استرس خانواده، نظریه سیستم‌های عمومی و تاب‌آوری فردی را برای بررسی تاب‌آوری خانواده در زمینه خطرات و اکوسیستم‌های خاص خانواده ادغام کردند. پیشنهاد می‌شود موج ۳ تاب‌آوری خانواده با وضوح مفهومی هدایت شود که با افزایش سازگاری در اصطلاحات و وضوح در مورد تمایزهای بین فرآیندهای تشویقی خانواده در مقابل فرآیندهای حمایتی خانواده و همچنین، فرآیندهای حمایتی خانواده در مقابل سازگاری خانواده نشان داده می‌شود. FRM به‌عنوان یک رویکرد واحد برای تاب‌آوری خانواده که عناصر اساسی تاب‌آوری (خطر، محافظت، آسیب‌پذیری و سازگاری) را با معانی موقعیتی خانواده، طبیعی (مانند احساسات، کنترل، حفظ معنی و پاسخ به استرس) و اکوسیستم‌ها در بر می‌گیرد که می‌تواند به‌صورت چندسطحی، چندسیستمی و چندرشته‌ای اعمال شود. به‌طور خلاصه، تاب‌آوری خانواده پتانسیلی برای ادامه شناسایی و مداخله در ایجاد ظرفیت و اعمال جنبه‌های قوت خانواده دارد که ظرفیت محافظت از سیستم‌های خانواده را در برابر پیاده‌مدهای بالقوه مضر خطر قابل توجه شناسایی یا ایجاد می‌کند.

سوامی^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «گنجاندن مالی و تاب‌آوری خانواده‌های فقیر» توسط انجام داده است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر رویکرد شمول مالی تأمین مالی خرد بر خانوارهای فقیر، به روش پیمایش بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رویکرد تأمین مالی خرد از طریق گنجاندن منابع مالی در تقویت انعطاف‌پذیری خانوارهای فقیر به‌ویژه طبقات پایین در هند مفیدتر است.

لو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی پیمایشی با عنوان «مقاومت اقتصادی خانوارها در برابر طوفان‌های فاجعه‌بار و سیل در یک کلان‌شهر چین» را با هدف شناسایی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افرادی که از نظر مالی آمادگی بیشتری برای پیامدهای طوفان‌های فاجعه‌باران و سیلاب دارند، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل تعیین‌کننده

1. Swamy
2. Lo

کلیدی ویژگی‌های انعطاف‌پذیری اقتصادی، شامل؛ کشش مصرف، دسترسی به بیمه، تحرک دارایی‌ها، تنوع درآمد، توزیع دارایی‌ها و احتمال دریافت حواله است. نتایج این نظرسنجی تأیید می‌کند که شرایط مالی تعیین‌کننده اصلی تاب‌آوری خانواده است. ساکنان شهری با درآمد کمتر و تحصیلات پایین عموماً ظرفیت کمتری برای مقابله با پیامدهای اقتصادی حوادث شدید آب و هوایی دارند. این یافته‌ها دلالت بر این دارد که فقر و سرمایه اجتماعی ضعیف با ظرفیت سازگاری پایین مرتبط است. به‌طور کلی، این یافته‌ها تا حدی این فرضیه را پشتیبانی می‌کند که تاب‌آوری اقتصادی خانوار تابعی از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی است. آن خانواده‌ها و افرادی که در معرض فقر شهری قرار دارند و از سرمایه اجتماعی محدودی برخوردارند، به احتمال زیاد در برابر حوادث شدید آب‌وهوایی تاب‌آوری کمتری خواهند داشت. کانال‌های اجتماعی برای افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر خطرات طبیعی مهم هستند.

پژوهشی با عنوان «اندازه‌گیری تاب‌آوری خانواده: ارزیابی پرسشنامه تاب‌آوری خانواده والش» توسط دانکن و همکاران (۲۰۲۱) با هدف بررسی رویکرد تجربی ارائه‌شده توسط والش (۲۰۱۵) در پرتو چهارچوب نظری بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نتایج حاصل از CFA^۱ ساختار سه عاملی تثویزه‌شده متشکل از (۱) سیستم‌های اعتقادی، (۲) الگوهای سازمانی و (۳) ارتباط/ حل مسئله را تأیید کرد. در مجموع، این یافته‌ها مناسب بودن WFRQ^۲ را نشان می‌دهد و به پزشکان و محققان به‌طور یکسان بینش جامع‌تری نسبت به تاب‌آوری فراتر از سطح فردی ارائه می‌دهد.

چراغی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان شهر تهران در مواجهه با بیماری کرونا» که با هدف تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان در مواجهه با بیماری کرونا در مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران، با روش پیمایش صورت گرفته است، بیان می‌کنند بین تاب‌آوری و متغیرهای دیدگاه اعتقادی، آموزش دوران کودکی و توانمندی جسمانی زنان در منطقه ۱۲، رابطه وجود دارد. همچنین، بین تاب‌آوری و متغیرهای سبک زندگی، آموزش دوران کودکی و رضایتمندی از زندگی زنان در منطقه ۳،

1. Chartered Financial Analyst
2. Walsh Family Resilience Questionnaire



رابطه وجود دارد. در هر دو منطقه، دیدگاه اعتقادی زنان بیشترین تأثیر را بر متغیر تاب‌آوری دارد.

پژوهش «تدوین مدل تاب‌آوری خانواده بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده، زوجین و پژوهش‌ها» توسط کریمی نژاد و همکاران (۱۳۹۸) با هدف تدوین مدلی از تاب‌آوری خانواده مطابق با فرهنگ ایرانی، با روش تحلیل زمینه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش بیانگر این امر است که مدل تاب‌آوری خانواده دارای ۱۶ بعد می‌باشد؛ ۱. عوامل وراثتی و موقعیتی (فضای حمایتی و ایمن خانه، مسکن مناسب، آموزش‌های مناسب؛ ۲. تخصیص و اجرای بهینه نقش‌ها و وظایف؛ ۳. تعاملات مثبت و رضایت‌بخش (با اعضای خانواده، اطرافیان و جامعه)؛ ۴. مشارکت همدلانه؛ ۵. بیان مناسب نیازها، هیجانات و احساسات؛ ۶. سلامت اعضای خانواده (جسمانی، روانی و شخصیتی؛ ۷. فرآیندهای شناختی منطقی و انعطاف‌پذیر (باورها، انتظارات، ارزش)؛ ۸. استفاده بهینه از منابع جامعه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی؛ ۹. ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی؛ ۱۰. داشتن الگوهای مناسب و حمایت‌گر در تاب‌آوری؛ ۱۱. اهداف مشخص و مثبت فردی و خانوادگی (کوتاه‌مدت و بلندمدت)؛ ۱۲. مسئله‌گشایی و مدیریت مناسب بحران‌ها؛ ۱۳. فرزندپروری مقنندران و تاب‌آورانه؛ ۱۴. اشتغال و مدیریت مناسب منابع مالی خانواده؛ ۱۵. فعالیت‌های لذت‌بخش و نشاط‌آور اعضای خانواده با هم؛ ۱۶. آینده‌نگری مثبت و واقع‌بینانه.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در قالب روش کیفی و از نوع رویکرد پدیدارشناسی به‌منظور شناسایی کنش‌های آموزشی خانواده‌ها در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش خانواده‌های دانش‌آموزان پسر متوسطه اول، ساکن شهرک رباط طرق مشهد^۱ تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری غیراحتمالی و به شیوه هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی از میان جامعه هدف است؛ زیرا در روش پدیدارشناسی تمامی شرکت‌کنندگان می‌بایست پدیده مورد نظر را به‌صورت مستقیم تجربه کرده و قادر به بیان تجربیات خود درباره پدیده باشند که در اصطلاح "مطلعین" نامیده می‌شوند. بنابراین، در ابتدا با مراجعه به پرونده دانش‌آموزان و کسب





اطلاعات لازم ضمن تعیین ملاک‌های ورود: ۱. ساکن منطقه رباط طرق ۲. دارابودن دانش‌آموز پسر در یکی از پایه‌های هفتم، هشتم یا نهم، تعدادی از والدین انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی معمولاً تا زمانی ادامه می‌یابد که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات بیشتری به موارد قبلی اضافه نکنند و محقق شاهد تکرار الگوهای داده‌ای باشد. در پژوهش حاضر، والدین دانش‌آموزان (یکی از والدین) پسر متوسطه اول وارد پژوهش شدند و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته که هدف آن کسب اطلاعات عمیق درباره موضوع مورد پژوهش است، مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرآیند نمونه‌گیری تا ۱۰ مورد ادامه یافت و پس از آن محقق شاهد اشباع نظری داده‌ها بود. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه در نوسان بود. در ابتدای مصاحبه با هدف همراهی مصاحبه‌شونده، پرسش‌های کلی در ارتباط با وضعیت درسی دانش‌آموز و شرایط پژوهش او در خانه سؤالاتی پرسیده شد، سپس با اشاره به ورود وپروس کرونا و ایجاد تغییرات در شیوه‌های زندگی، از مصاحبه‌شونده خواسته شد تا درباره مشکلاتی که در دروان کرونا با آن روبه‌رو بوده‌اند و اقداماتی که انجام داده‌اند، تجربه خود را بیان کنند و در ادامه از مصاحبه‌شونده این سؤال پرسیده شد که با توجه به مشکلات اقتصادی دوران کرونا در زمینه تحصیل فرزندان چه اقداماتی انجام داده‌اند؟

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. با توجه به اینکه این روش قادر است مرحله به مرحله محقق را به صورت روشن در رسیدن به معنای تجارب هدایت کند، موتاکاس^۱ (۱۹۹۴) این روش را کاربردی‌ترین روش برای تحلیل داده‌ها می‌داند. مراحل انجام تحلیل به روش کلایزی به این شرح است: ۱. مصاحبه‌های ضبط شده به صورت مکتوب پیاده‌سازی و متن هر مصاحبه مجدد پژوهش می‌شود؛ ۲. عبارات معنی‌دار مربوط به پدیده مورد پژوهش برای هر متن مصاحبه، استخراج می‌گردد؛ ۳. هر یک از عبارات استخراج شده در مرحله قبل، کدگذاری می‌شود؛ ۴. مفاهیم کدگذاری شده براساس تشابه، خوشه‌بندی شده و از این طریق مضامین استخراج می‌گردد؛ ۵. توصیفی جامع از تجربیات بیان شده مشارکت کنندگان ارائه می‌شود؛ ۶. یک ساختار بنیادین از پدیده، توصیف می‌گردد؛

1. Moustakas

۷. توصیفات و تجربیات مشارکت‌کنندگان از طریق مراجعه مجدد به مشارکت‌کنندگان پژوهش، اعتبارسنجی می‌شود (اکبری بورنگ و سمیراپور، ۱۴۰۰، ۲۲). برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش از چهار معیار کوبا و لینکلن استفاده شده است که شامل؛ قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری است (اکبری بورنگ و سمیراپور، ۱۴۰۰). همچنین، برای افزایش قابلیت اعتبار پژوهش به مشارکت‌کنندگان مراجعه (تلفنی) و نظر آنها درباره نتایج پژوهش دریافت شد؛ تمامی مراحل انجام‌شده در این پژوهش به صورت مبسوط بیان و نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده، به صورت موردی در قسمت یافته‌های پژوهش ذکر شد. در راستای کسب قابلیت اطمینان، از راهنمایی و نظارت استادان صاحب‌نظر استفاده گردید. در راستای کسب قابلیت تأییدپذیری پژوهش، ضمن بررسی دقیق داده‌ها، سعی شد که تفاسیر و یافته‌های پژوهش با توجه به مطالعات پیشین انجام شود.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به ۱۰ مصاحبه با مادران

مورد	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	شغل
۱	۴۵	ابتدایی	۲	آزاد
۲	۴۸	ابتدایی	۳	خانه‌دار
۳	۴۰	دیپلم	۲	خانه‌دار
۴	۳۵	دیپلم	۲	خانه‌دار
۵	۴۰	ابتدایی	۲	خانه‌دار
۶	۴۳	دیپلم	۳	خانه‌دار
۷	۵۰	دیپلم	۵	آزاد
۸	۳۹	سیکل	۲	خانه‌دار
۹	۳۶	فوق دیپلم	۲	خانه‌دار
۱۰	۳۰	دیپلم	۲	خانه‌دار

مأخذ: محاسبات پژوهش

بعد از انجام تحلیل داده‌ها به روش کلایزی، ۳ مضمون به همراه ۱۰ مقوله استخراج گردید. در ادامه به فرآیند استخراج یک نمونه از مضامین اشاره می‌شود. دو مضمون دیگر پژوهش به همین روش استخراج شده‌اند و فقط به ساختار کلی مضمون اشاره می‌گردد. بعد از مکتوب‌شدن مصاحبه‌ها، عبارات مرتبط با موضوع پژوهش، استخراج شد که در جدول زیر آمده است:



جدول ۲: نمونه‌هایی از عبارات معنی‌دار استخراج‌شده

عبارات معنی‌دار
در دوران کرونا کار برای شوهرم خیلی کم شده بود. برای همین من (خانم خانه) مجبور شدم سر کار برم. شوهرم بتا بود. تو دوران کرونا کسی برای کار تماس نمی‌گرفت. برای همین همسرم پیش دوستش که بنگاه داشت، رفت و اونجا رو نظافت می‌کرد.
با هزار درد سر براش گوشی خریدیم و به کلاس زبان می‌فرستادیم.
تو دوران کرونا از هر چی پس‌انداز کرده بودیم، استفاده کردیم.
شرایط خیلی سخت شده، پسرم لپتاپ نیاز داره؛ اما تا الان نتونستیم بخریم؛ ولی با قرض تونستیم یه گوشی بخریم تا تو کلاس شرکت کنه.
پسرم گوشی نداشت با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد. برای همین روزهایی که من نبودم، نمی‌تونست کلاس شرکت کنه.
شوهرم اعتیاد داره، تو کرونا وضعمون بدتر هم شده بود. خاله‌اش براش گوشی خرید تا در کلاس‌ها بتونه شرکت کنه.
تو اون دوران مرخصی اجباری به شوهرم می‌دادن. ما کلی قرض کردیم مخصوصاً از مادرم تا خرجمونو بدیم.
خودمم سر کار می‌رفتم؛ اما الان دیگه نمیرم چون بیست روزه که شوهرم میره سر کار.
یه خرید اینترنت پس نمی‌بودیم، فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.
وقتی شوهرم شغلشو تو هتل از دست داد، با پس‌اندازمون یه پراید خریدیم و تو اسنپ کار می‌کنه.

مأخذ: محاسبات پژوهش

بعد از استخراج عبارات معنی‌دار، براساس مراحل روش کلایزی این عبارات کدگذاری شدند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جدول ۳: نمونه‌هایی از فرآیند شکل‌گیری معانی صورت‌بندی‌شده از عبارات معنی‌دار

عبارات معنی‌دار	معانی صورت‌بندی‌شده (کدها)
من (خانم خانه) مجبور شدم سر کار برم.	شاغل شدن مادر
خودمم سر کار می‌رفتم؛ اما الان دیگه نمیرم چون بیست روزه که شوهرم میره سر کار	جابه‌جایی شاغل بودن زن و مرد
کنار بنایی پیش دوستش که بنگاه داشت رفت و اونجا رو نظافت می‌کرد	دوشغله شدن سرپرست خانواده
با پس‌اندازمون یه پراید خریدیم و تو اسنپ کار می‌کنه	تغییر شغل سرپرست
با هزار درد سر براش گوشی خریدیم و به کلاس زبان می‌فرستادیم	سختی در تأمین هزینه‌ها
هرچی پس‌انداز کرده بودیم، استفاده کردیم	استفاده از پس‌انداز
با قرض تونستیم یه گوشی بخریم تا تو کلاس شرکت کنه	قرض کردن

عبارات معنی‌دار	معانی صورت‌بندی‌شده (کدها)
با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد	استفاده اشتراکی از امکانات
خاله‌اش براش گوشی خرید تا در کلاس‌ها بتونه شرکت کنه	تأمین امکانات توسط اقوام
کلی مادرم کمک کرد تا تونستیم خرجمونو بدیم	کمک مالی اطرافیان
فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.	صرفه‌جویی در هزینه‌ها

مأخذ: محاسبات پژوهش

در مرحله بعدی کدهای مشابه در یک مقوله (خوشه) و مقوله‌های مشابه در یک مضمون قرار می‌گیرند که شرح آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نمونه‌هایی از فرآیند تبدیل عبارات معنی‌دار به خوشه و مضمون

مضمون	خوشه	نمونه‌هایی از معانی صورت‌بندی‌شده
ادامهٔ تحصیل فرزند با سختی و مشقت	حمایت اقوام و اطرافیان	تأمین امکانات توسط اقوام
		کمک مالی اطرافیان
	بهینه‌سازی نیروی‌کار	شاغل‌شدن مادر
		جابه‌جایی شاغل‌بودن زن و مرد
	تغییر در شغل سرپرست خانواده	دوشغله‌شدن سرپرست خانواده
		تغییر شغل سرپرست
	صرفه‌جویی در هزینه‌ها	فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.
		با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد
		سختی در تأمین هزینه‌ها
		با خواهرش با یک گوشی در کلاس‌ها شرکت می‌کردند

مأخذ: محاسبات پژوهش

براساس مراحل روش کلایزی، در این مرحله، هریک از مضامین براساس پیشینه پژوهش، مقولات و هر آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند، شرح داده می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مرحله ششم روش کلایزی، بیان‌کننده ساختار کلی پدیده به لحاظ مضامین، مقولات و کدگذاری‌های انجام‌شده است که در قالب جدول ۵ ارائه می‌شود.



جدول ۵: ساختار کلی مضمون ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت

مضمون	خوشه	کد
کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت)	کمک اقوام و اطرافیان	تأمین امکانات توسط اقوام
		کمک مالی اطرافیان
		ایجاد شغل
		کمک درسی
	بهینه‌سازی نیروی کار	شاغل شدن زن
		شاغل شدن فرزند دیگر
		جابه‌جایی شغلی بین زن و مرد
	تغییر در شغل سرپرست	دوشغله شدن سرپرست خانواده
		تغییر شغل سرپرست
	صرفه‌جویی در هزینه‌ها	کاهش استفاده
		اولویت‌بندی در استفاده از وسیله
		استفاده اشتراکی از وسیله
		سختی در تأمین هزینه‌های آموزشی
		اولویت‌بندی در زمان استفاده از وسیله

جدول ۶: ساختار کلی مضمون ادامه تحصیل فرزند بدون مشکل

مضمون	خوشه	کد
سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند بدون مشکل)	آگاهی و نظارت والدین	نظارت بر شرکت در کلاس
		کمک درسی به فرزند
		نظارت بر انجام تکالیف
		نگرش مثبت به درس
		اولویت‌دادن به درس
	تأمین مالی	عدم تغییر در شغل سرپرست
		عدم تغییر در درآمد
	وجود امکانات کافی	داشتن وسیله اختصاصی
		استفاده بدون محدودیت از وسیله
		عدم مشکل در تأمین هزینه آموزشی
		امکانات رفاهی

مأخذ: محاسبات پژوهش



جدول ۷: ساختار کلی مضمون ترک تحصیل موقت

مضمون	خوشه	کد
عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند (ترک تحصیل موقت فرزند)	ویژگی‌های شخصی والدین	ترجیح منفعت‌آنی
		امیدداشتن به آینده شغلی با تحصیل
		مهارت‌های دیجیتالی ضعیف
		عدم اعتقاد به آموزش مجازی
	محدودیت‌های مالی	بیکاری سرپرست
		کاهش درآمد
		درآمد فرزند
	نبود امکانات	عدم وجود وسیله ارتباطی
		هزینه‌های ارتباطی (اینترنت)

مأخذ: محاسبات پژوهش

در مرحله هفتم بعد از انجام تحلیل‌ها برای اعتبارسنجی تحلیل‌های انجام‌شده، مجدد به مشارکت‌کنندگان مراجعه شد و نظر آنها درباره نتایج حاصل‌شده پرسیده شد. درنهایت، نتایج مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بودند. در ادامه، هر یک از مضامین به‌صورت کامل توضیح داده شده است:

۱. کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند: با شروع بیماری کرونا و تغییر در شیوه آموزش، عواملی باعث شد که برخی از والدین برای ادامه تحصیل فرزندان خود با سختی‌ها و مشکلاتی مواجه شوند و علی‌رغم این مشکلات، شرایط تحصیل فرزندان خود را به‌صورت محدود فراهم کنند. زیرمجموعه‌های این مضمون به شرح زیر است:

۱-۱- کمک اقوام و اطرافیان: مشارکت‌کنندگان ۱، ۵ و ۷ بیان کرده‌اند در دوران کرونا یکی از عواملی که به رفع نیازهای آنها کمک کرده است، کمک اقوام و اطرافیان بوده است؛ به‌طورمثال می‌گویند: «زمانی که کار بنایی کم شده بود و شوهرم بیکار بود، دوستش گفت بیا در بنگاه من وایستا» یا مشارکت‌کننده بعدی می‌گوید «در دوران بیکاری شوهرم برای مخارجمون کلی از مادرم پول گرفتم».

۱-۲- بهینه‌سازی نیروی کار: مشارکت‌کنندگان ۵ و ۷ اشاره می‌کنند که برای رفع مشکلات اقتصادی دوران کرونا، خانواده بیشتر در کسب درآمد همکاری می‌کرده





است: «دو تا از پسران رفتن سر کار، یکی انباردار شد و یکی تو قصر خورشید کار می‌کنه، تا قبل سرکار رفتن اونا، خودم سر کار می‌رفتم».

۳-۱- تغییر در شغل سرپرست: از جمله پیامدهای کرونا تعطیلی برخی کسب و کارها یا کاهش زمان آنها بود. در این دوران بسیاری از سرپرستان خانواده‌ها برای رفع نیازهای مالی یا به شغل جدید روی آوردند و یا همزمان به دو شغل مشغول بودند. مشارکت‌کننده ۱ و ۹ به این مورد اشاره می‌کنند: «وقتی شوهرم بیکار شد، نیشان خریدیم با قرض و الان رو نیشان کار می‌کنه شوهرم».

۴-۱- صرفه‌جویی در هزینه‌ها: از جمله کنش‌هایی که خانواده‌ها در زمینه پیامدهای اقتصادی کرونا در پیش گرفته بودند، کاهش در مصرف و صرفه‌جویی بوده است. این نکته توسط مشارکت‌کننده‌های ۹، ۱، ۷ و ۵ به‌صراحت بیان شده است؛ به‌طورمثال: «برامون امکان خرید گوشی وجود نداشت برای همون بچه‌هام از گوشی من مشترک استفاده می‌کردند» یا در جای دیگر بیان می‌کنند: «به خرید بسته اینترنت بس نمی‌آمدم برای همون زمانی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم».

۲- سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان: تعدادی از خانواده‌ها هستند که این بیماری برای آنها پیامد اقتصادی نداشته و در زندگی و تحصیل فرزندان‌شان مشکلی نداشته‌اند. زیرمجموعه‌های این مضمون به شرح زیر است:

۱-۲- آگاهی و نظارت والدین: یکی از عواملی که در دوران آموزش مجازی باعث شده تا فرزندان این خانواده‌ها، به تدریس خود بدون مشکل ادامه دهند، آگاهی و نظارت مستمر والدین بوده است. این نکته توسط مشارکت‌کننده‌های ۳ و ۴ بیان شده است. آنها می‌گویند: «در این سن درس بچه از همه چیز مهم‌تره. من خودم همیشه پیگیر کلاس‌هاش بودم و بر نرم‌افزارهایی که داشت و نصب می‌کرد، نظارت می‌کردم».

۲-۲- تأمین مالی: از جمله موارد مهمی که باعث شده تا فرآیند تحصیل فرزندان با مشکل مواجه نشود، عدم نوسانات مالی در خانواده بوده است و این خانواده‌ها از این لحاظ در این دوره‌ها مشکلی نداشته‌اند. مشارکت‌کننده‌های ۱۰ و ۴ این نکته را بیان می‌کنند. آنها می‌گویند «شوهرم تو این مدت تغییر شغلی نداشت و مثل قبل بود. نه خدا رو شکر مشکل مالی نداشتیم».

۳-۲- وجود امکانات کافی: با توجه به تغییر سبک آموزش، آموزش فرزندان نیازمند امکاناتی همچون گوشی هوشمند، اینترنت، محیط آرام و غیره بوده است. مشارکت‌کننده‌های ۱۰، ۴ و ۳ بیان می‌کنند: «از همون ابتدا براش گوشی خریدیم و همیشه اینترنت داشت. هیچ وقت نداشتیم مشکل این چیزا رو داشته باشه».

۳- عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند: ازجمله کنش‌هایی که برخی از خانواده‌ها تحت تأثیر مشکلات اقتصادی حاصل از کرونا در تحصیل فرزندان خود انجام داده‌اند، عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل (ترک تحصیل موقت) بوده است که این مضمون دارای مقوله‌هایی به شرح زیر است:

۳-۱- ویژگی‌های شخصیتی والدین: ازجمله عوامل تأثیرگذار بر این کنش والدین، می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی آنها اشاره کرد که خود زمینه‌ساز این کنش است. مشارکت‌کننده ۲ و ۶ بیان می‌کنند: «تو دوران کرونا بنایی داشتیم؛ چون پول کارگر ندیم، تموم این دوسال بچه‌ها تو بنایی با ما کار کردند» یا «گوشی نداشتیم که در کلاس شرکت کنه؛ اما باباش به جای بچه برای خودش گوشی خرید».

۳-۲- محدودیت‌های مالی: ازجمله عوامل دیگری که این خانواده‌ها در این دوران با آن مواجه بودند، محدودیت‌های مالی بوده است. مشارکت‌کنندگان ۲ و ۸ به این نکته اشاره می‌کنند: «شوهرم تو شهرداری کار می‌کنه، یه مدت بیکار شده بود» یا «به شوهرم مرخصی اجباری داده بودند، مگر اینکه گاهی جابه‌جایی بار می‌خورد که زنگ می‌زدن تا بره».

۳-۳- نبود امکانات: ازجمله عوامل دیگری که منجر به ترک تحصیل موقت برخی دانش‌آموزان شده، نبود امکاناتی مانند گوشی و اینترنت است. مشارکت‌کننده ۶ و ۸ به این مورد اشاره کرده‌اند: «چون پول گوشی نداشتیم، نتونستیم گوشی بخریم. خود بچه‌ام می‌رفت نجاری تا پول جمع کنه».

نتیجه‌گیری و بحث:

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد کنش‌های انجام‌شده توسط خانوارهای با منابع کمتر و بالاتر برای کاهش تأثیر بحران مالی بر رفاه آنها بسیار متفاوت است. کنش‌های خانواده‌ها در حوزه آموزش فرزندان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. کاهش سرمایه‌گذاری در





آموزش فرزندان (ادامه تحصیل فرزندان با سختی و مشقت)؛ ۲. سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل فرزندان بدون مشکل)؛ ۳. عدم سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ترک تحصیل موقت). از نظر نوع کنش خانواده‌ها، به صورت کلی می‌توان گفت که از ۱۰ نفر مشارکت‌کننده، ۴ نفر کنش کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند را برگزیده بودند. از بین کنش‌های بیان‌شده، ۳ نفر از پاسخگویان کنش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند را در طول دوره کرونا انتخاب کرده بوده‌اند. در بین مشارکت‌کنندگان، ۳ نفر کنش عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند را برگزیده بودند.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و جدیدبودن موضوع کرونا و مسائل آن، مقاله‌ای برای مقایسه نتایج پژوهش پیدا نشد. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ابتدا به شرح مضمون «کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت)» پرداخته می‌شود. این مضمون در قالب خوشه‌هایی همچون، کمک اقوام و اطرافیان، بهینه‌سازی نیروی کار، تغییر شغل سرپرست خانواده و صرفه‌جویی در هزینه‌ها در نظر گرفته شده است. در بین خوشه‌های ذکرشده، از نظر فراوانی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها از اولویت بیشتری نسبت به سایر آنها برخوردار است. کامرون^۱ در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که یکی از مکانسیم‌های مقابله با پیامدهای بحران‌های اقتصادی، صرفه‌جویی است و در صورتی که خانواده‌ها در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نکنند و نتوانند هزینه‌های خود را هموار کنند، مجبور به کاهش هزینه‌های خود خواهند شد (کامرون و همکاران، ۲۰۰۱). سالگادو معتقد است خانوارها به دنبال حمایت از سرمایه‌گذاری در کیفیت آموزش کودکان بزرگ‌تر به قیمت کیفیت آموزش کودکان کوچک‌تر بودند. خانوارهای اکوادوری عمدتاً با تغییر الگوهای مصرف خود و تأخیر در پرداخت‌ها، با بحران سال ۱۹۹۹ سازگار شدند (سالگادو، ۲۰۱۲). حمایت اقوام و اطرافیان از جمله خوشه‌های مضمون ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت است. گایاتاری حمایت اجتماعی دیگران را از جمله خانواده‌های بزرگ، خواهر و برادر، همسایه‌ها و دوستان زمانی که والدین یا اعضای خانواده برای کمک دست دراز می‌کنند، در تاب‌آوری خانواده مهم دانسته است. از جمله یافته‌های دیگر این پژوهش در این مضمون، بهینه‌سازی نیروی کار و دوشغله‌شدن سرپرست

1. Lisa A. Cameron

خانواده است که به عنوان مکانیسم‌های مقابله‌ای از جانب مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان شده است. فرانکنبرگ و همکاران در پژوهش خود به این نکته اشاره دارند که خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، با اقداماتی نظیر؛ افزایش افراد خانواده به عنوان نیروی کار و افزایش ساعات کار مقابله می‌کنند (فرانکنبرگ و همکاران، ۲۰۰۳).

مضمون دوم استخراج شده «سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند بدون مشکل)» می‌باشد. این مضمون دارای خوشه‌های آگاهی و نظارت والدین، تأمین مالی و وجود امکانات کافی است. در بین خوشه‌های این مضمون، از نظر فراوانی خوشه وجود امکانات کافی اهمیت بیشتری دارد. پژوهش‌های انجام شده توسط بلوندل^۱ و همکاران (۲۰۲۰) و فریرا و همکاران (۲۰۰۹) تأییدکننده این مضمون است. بلوندل در پژوهش خود بیان می‌کند کودکان در خانواده‌های بهتر، تقریباً در هر فعالیت آموزشی نسبت به همسالان خود از یک پنجم خانواده‌های بدتر، زمان بیشتری را صرف می‌کنند. کودکان خانواده‌های بهتر نه تنها مقدار بیشتری از یادگیری در خانه را انجام می‌دهند؛ بلکه، به حمایت بالقوه با کیفیت بالاتر از مدارس و فرصت‌های یادگیری در خانه نیز دسترسی دارند. به نظر فریرا و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر درآمد یک بحران برای کشورهای ثروتمندتر و برای خانوارهایی که دسترسی بیشتری به بازارهای اعتباری دارند، ضعیف‌تر است که منجر به تسلط اثر جایگزینی «تحصیلی» می‌شود.

مضمون سوم شناسایی شده «عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند (ترک تحصیل موقت فرزند)» است که دارای خوشه‌های ویژگی‌های والدین، محدودیت‌های مالی و نبود امکانات است. لو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند شرایط مالی تعیین‌کننده اصلی تاب‌آوری خانواده است. ساکنان شهری با درآمد کمتر و تحصیلات پایین عموماً ظرفیت کمتری برای مقابله با پیامدهای اقتصادی دارند. فقر و سرمایه اجتماعی ضعیف با ظرفیت سازگاری پایین مرتبط است (۲۰۱۶). نتایج پژوهش دیلون^۳ (۲۰۱۳)، هاید^۴ و همکاران (۲۰۱۵)، السامری و همکاران (۲۰۲۰)، اونیما^۵ و همکاران (۲۰۲۰) و قراری و همکاران (۱۳۹۹) تأییدکننده این یافته است. دیلون (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «پاسخ‌های کار و تحصیل کودکان به

1. Blundell

2. Lo

3. Dillon

4. Hyder

5. Onyema





شوکه‌های تولید و بهداشت در شمال مالی» بیان می‌کند که شوکه‌های تولید احتمال ترک تحصیل را تا ۱۱ درصد و مشارکت در کار کشاورزی را ۲۴ درصد افزایش می‌دهد. هاید و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «شوکه‌های اقتصادی منفی و تحصیل کودکان: شواهدی از روستایی مالای» بیان می‌کنند که شوکه‌های منفی تأثیرات منفی قابل توجهی را بر تحصیل نشان می‌دهد. السامری و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر همه‌گیری COVID-19 بر تأمین مالی آموزش و پرورش» نشان می‌دهند که در بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه خانوارهای فقیر کاهش درآمد خانوارها باعث کاهش سرمایه‌گذاری آنها در آموزش و پرورش می‌شود و این امر با شوکه‌های بهداشتی مرتبط با همه‌گیری تشدید می‌شود. پژوهشی با عنوان «تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا بر آموزش» در سال ۲۰۲۰ انجام شد که نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که امکانات ناکافی مانند رایانه، امکانات اینترنت، عوامل اصلی محدودکننده مشارکت آنها در آموزش آنلاین بوده است. به‌طور مشابه، خدمات ضعیف برق، مشکلات در دسترسی و دسترسی، مشکلات شبکه و غیره نیز مشکلات زیادی را برای آموزش در طول قرنطینه COVID-19 ایجاد کرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ویروس کرونا فعالیت‌های آموزشی را مختل کرد و فرصت‌های آموزشی را برای افراد محروم کاهش داد. پژوهشی که قراری و همکاران در سال ۱۳۹۹ با عنوان «بررسی آسیب‌ها و چالش‌های شیوع بیماری کرونا بر آموزش» انجام داده‌اند، نشان‌دهنده کاهش تقاضای تحصیل، افزایش مسئولیت والدین، هزینه دسترسی به آموزش آنلاین، اجبار به ترک تحصیل به دلیل نیاز به درآمد و یا مراقبت از اعضای خانواده است. شوکه‌های خاص - به دلیل ازدست‌دادن شغل غیرارادی هر یک از والدین - میانگین احتمال ورود کودکان به نیروی کار و ترک تحصیل را افزایش می‌دهد (کانینگهام^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). براساس تعدادی از منابع، بسیاری از دانش‌آموزان فقیر در موقعیتی نیستند که به یادگیری آنلاین دسترسی داشته باشند. به‌طور کلی، به دلیل سطوح مختلف حمایت والدین و موانع دسترسی، آموزش از راه دور این ظرفیت را دارد که با تشدید شکاف موجود بین دانش‌آموزان با پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف، نابرابری اقتصادی را تقویت کند. دانش‌آموزان فقیرتر حداقل به دو دلیل در معرض خطر خاص قرار دارند؛ والدین آنها کمتر منابعی برای حمایت از آنها در مدرسه آموزش از راه دور

1. Cunningham



یا تکالیف خود دارند و یا والدین مرفه‌تر و ثروتمندتر با سطح تحصیلات بالاتر که معمولاً بیشتر درگیر یادگیری فرزندشان هستند، احتمالاً از خانواده بزرگ‌تری نیز می‌آیند. این امر باعث می‌شود که آنها امکانات کمتری برای آموزش از راه دور داشته باشند. بنابراین، بر توانایی آنها برای تمرکز و مشارکت در آموزش از راه دور تأثیر می‌گذارد (ارفورث^۱، ۲۰۲۰). در مجموع، یافته‌های پژوهش توسط نظریه‌هایی همچون نظریه هوپر، مدل والش و مدل چندسطحی کارد و بارت و غیره حمایت می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Akbari Burang, Mohammad and Pour, Samira. (2021). Qualitative data analysis with a phenomenological approach (based on the Claizian method). Birjand: Birjand University.
- Al-Samarrai, S., Gangwar, M., & Gala, P. (2020). The impact of the COVID-19 pandemic on education financing.
- Blundell, R., Costa Dias, M., Joyce, R., & Xu, X. (2020). COVID-19 and Inequalities. *Fiscal studies*, 41(2), 291-319.
- Cacioppo, J. T., Reis, H. T., & Zautra, A. J. (2011). Social resilience: the value of social fitness with an application to the military. *American Psychologist*, 66(1), 43.

1. Erfurth

- Cameron, L. A., & Worswick, C. (2001). Education expenditure responses to crop loss in Indonesia: A gender bias. *Economic development and cultural change*, 49(2), 351-363.
- Card, N. A., & Barnett, M. A. (2015). Methodological considerations in studying individual and family resilience. *Family Relations*, 64(1), 120-133.
- Card, N. A., & Toomey, R. B. (2012). Applying the social relations model to developmental research.
- Cheraghi, M., Kaffashi, M., Pirahary, N., (2020). Sociological Explanation of Resilience of Women in Tehran in the Face of Covid-19 Disease. *Journal of Iranian Social ...*. Retrieved from http://www.jss-isa.ir/article_243854.html?lang=en
- Cunningham, Wendy & Bustos Salvagno, Javier. (2011). Shocks, Child Labor and Schooling Dropouts in Argentina. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.1772826.
- Dillon, A. (2013). Child labour and schooling responses to production and health shocks in northern Mali. *Journal of African economies*, 22(2), 276-299.
- Ebrahimi, Marzieh. (2019). The genealogy of the Iranian family's exposure to the Corona crisis. *Iranian Journal of Social Issues*, 11 (1), 225-249.
- Erfurth, M., & Ridge, N. (2020). The Impact of COVID-19 on Education in the UAE. *Sheikh Saad Bin Saqr Al Qasimi. Strategic Report*, 1, 1-15.
- Ferreira, F. H., & Schady, N. (2009). Aggregate economic shocks, child schooling, and child health. *The World Bank Research Observer*, 24(2), 147-181.
- Frankenberg, E., Smith, J. P., & Thomas, D. (2003). Economic shocks, wealth, and welfare. *Journal of Human Resources*, 38(2), 280-321.
- Gayatri, M., & Irawaty, D. K. (2022). Family resilience during COVID-19 pandemic: A literature review. *The Family Journal*, 30(2), 132-138.
- Gayatri, M., & Irawaty, D. K. (2022). Family resilience during COVID-19 pandemic: A literature review. *The Family Journal*, 30(2), 132-138.
- Gharari M, Mohammadi R, Ghorbani M. Assessing Educational Harms and Challenges of Covid-19. *irje* 2021; 16 (5) :29-37 URL: <http://irje.tums.ac.ir/article-1-6914-fa.html>
- Henry, C. S., Sheffield Morris, A., & Harrist, A. W. (2015). Family resilience: Moving into the third wave. *Family Relations*, 64(1), 22-43.
- Hooper, L. M. (2008). Defining and Understanding Parentification: Implications for All Counselors. *Alabama Counseling Association Journal*, 34(1), 34-43.
- Hyder, A., Behrman, J. R., & Kohler, H. P. (2015). Negative economic shocks and child schooling: Evidence from rural Malawi. *Development Southern Africa*, 32(4), 458-476.
- Lo, A. Y., Xu, B., Chan, F., & Su, R. (2016). Household economic resilience to catastrophic rainstorms and flooding in a Chinese megacity. *Geographical Research*, 54(4), 406-419.
- Maguire, B., & Hagan, P. (2007). Disasters and communities: understanding social resilience. *Australian Journal of Emergency Management*, The, 22(2), 16-20.
- Maharani, Y. N., & Lee, S. (2017). Assessment of social vulnerability to natural hazards in South Korea: case study for typhoon hazard. *Spatial Information Research*, 25, 99-116.



- Mirzaei, K. (2020). Causes and Impacts of Coronavirus Covid-19 Pandemic. *SOCIAL IMPACT ASSESSMENT*, 1(2), 13-41. Retrieved from magiran.com/p2126021
- Moustakas, C. E. (1994). Phenomenological research methods. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Nejad, H. K., Sadeghi, M., & ... (2019). Developing a model of family resilience extracted from triangulation categories according to family specialists, couples and researches. *Women and Family Educational Cultural Quarterly*, 13(46), 175-193. Retrieved from https://cwfs.iuh.ac.ir/article_204569_en.html?lang=en
- Onyema, E. M., Eucheria, N. C., Obafemi, F. A., Sen, S., Atonye, F. G., Sharma, A., & Alsayed, A. O. (2020). Impact of Coronavirus pandemic on education. *Journal of Education and Practice*, 11(13), 108-121.
- Salgado, A. L. B. (2012). Education in time of economic crisis: Effects of the Global Financial Crisis on Childrens Education in.
- Swamy, V. (2019). Financial inclusion and the resilience of poor households. *The Journal of Developing Areas*, 53(4).
- Taghizadeh S, Haji J, Mohammadimehr M. A Comparative Study of the Challenges and Opportunities of Higher Education in the Corona Pandemic in Iran and around the World. NPWJM 2020; 8 (27) :47-57 URL: <http://npwjm.ajaums.ac.ir/article-1-804-fa.html>
- Taheri Namhil, Ibrahim. 2020. "Examining the consequences of the corona virus on the economy of Iran and the world." Specialized Quarterly Journal of Supreme Governance 1(2):171-81.
- TAHERINIA M, hasanvand A. Economic consequences of Covid-19 disease on the Iranian economy; With an emphasis on employment. Nursing management 2020; 9 (3): 43-58 URL: <http://ijnv.ir/article-1-737-fa.html>
- Upadhyay, A., & Sa-ngiamwibool, A. (2021). A systematic literature review of community disaster resilience: main and related research areas and agendas. *Continuity & Resilience Review*, 3(2), 192-205.
- Walsh, F. (1996). The concept of family resilience: Crisis and challenge. *Family process*, 35(3), 261-281.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

